

## منابع حقوق بین‌الملل

### « مقدمه »

منشاء اصلی و حقیقی قانون در هر جامعه روابط اجتماعی افراد و نیازمندی آنها بشریک سماعی و تعاون در زندگی است بهمان اندازه که حس تعاون در افراد بشر بیشتر شده و روابط اجتماعی آنها توسعه مییابد وجود قوانینی که روابط مزبور را تحت نظم و ترتیب درآورد ضرورت پیدا میکند در جامعه بین‌المللی نیز مانند سایر جوامع احتیاجات متقابل دول و لزوم ایجاد مناسبات سیاسی و اقتصادی و فرهنگی برای بقاء و پیشرفت آنها قوانین بین‌المللی را بوجود میآورد. قوانین بشرایط زندگی اجتماعی و تمدن جامعه ارتباط مستقیم داشته و بموازات آن سیر تکاملی خود را ادامه میدهد. چنانچه کیفیت پیدایش و سیر تکاملی قوانین بین‌المللی را از نظر علم الاجتماع مورد بررسی قرار دهیم پیوستگی کاملی که بین قوانین مزبور و تمدن بشر در هر زمان وجود دارد بوضوح مشاهده مینمائیم.

قوانین بین‌المللی مانند قوانین داخلی صور مختلف دارند. قالب‌های گوناگونی که باید یک قانون بین‌المللی در آنها جای گرفته و در قلمرو حقوق بین‌المللی وارد شود منابع صوری حقوق بین‌الملل نامیده میشوند.

تفاوت اساسی منابع حقوق داخلی و بین‌المللی در اینست که کلیه منابع حقوق داخلی اعم از قانون و عرف و عادات از اراده دولت سرچشمه میگیرد. و این اراده گاهی بطور صریح بصورت قانون و زمانی تلویحاً با تنفیذ عرف و عادات بر افراد تحمیل میگردد. ولی در منابع حقوق بین‌الملل برعکس بهیچوجه اثری از قدرت مافوق دول دیده نمیشود زیرا از خصائص جامعه بین‌المللی اینست که افراد آن یعنی دولت‌ها از استقلال و خود-مختاری کامل برخوردار بوده و از هیچ قدرتی مافوق خود تبعیت نمی‌نمایند. بنابراین باید تراضی و توافق اراده دول را منبع اصلی و منحصر بفرد قوانین بین‌المللی دانست. توافق اراده دول که بشرح مذکور میتواند قوانین الزام آوری در روابط بین‌المللی بوجود آورد ممکن است صریح و کتبی باشد و در اینصورت بطور کلی عهدنامه نامیده میشود. همچنین ممکن است چند دولت بدون اینکه صریحاً در یک امر توافق حاصل نموده باشند با اتخاذ رویه واحد و هماهنگ موافقت ضمنی و عملی خود را در آن خصوص ابراز دارند عرف و عادات بین‌المللی و همچنین اصول عمومی حقوق که بعداً در باره آنها بتفصیل سخن خواهیم گفت از این قبیل و مولود توافق ضمنی دول میباشند.

از منابع صوری حقوق بین‌الملل تعریف‌های متعددی شده که در اساس باهم منطبق

## منافع حقوق بین الملل

بوده و جز در جزئیات اختلافی ندارند. اینکه تعریفی که ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین الملل دادگستری از منابع حقوق بین الملل نموده عیناً نقل و تفسیر آن میپردازیم :

کمیته ای مرکب از علمای بزرگ حقوق که در سال ۱۹۴۰ دستور شورای جامعه ملل برای تدوین اساسنامه دیوان دائمی دادگستری بین المللی در لاهه تشکیل شده بود پس از بررسی و مطالعات بسیار درباره قواعدی که در صدور آراء و قطع و فصل دعاوی باید مورد استناد دیوان قرار گیرد متن ماده ۳۸ تدوین نمود. این ماده عیناً بدون هیچگونه تغییر در اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری نیز نقل گردیده است.

ماده ۳۸ مقرر میدارد: «دیوان بین المللی دادگستری که مأموریت دارد اختلافاتی را که با رجوع میشود بر طبق حقوق بین المللی قطع و فصل نماید موازین زیر را اجرا خواهد کرد :

الف - عهدنامه های بین المللی اعم از خصوصی و عمومی که بموجب آن قواعدی معین شده است که طرفین اختلاف آن قواعد را صریحاً شناخته اند :

ب - رسوم بین المللی که بمنزله دلیل یک معمول به عمومی مانند یک اصل حقوق قبول شده است .

ج - اصول عمومی حقوقی که مقبول ملل متقدمان است .

د - با رعایت حکم ماده ۹۰ تصمیمات قضائی و عقاید برجسته مؤلفین ملل مختلف را بمنزله وسائل فرعی و برای تعیین قواعد حقوقی .

۲ - مقررات این ماده بحثی که دیوان بین المللی دادگستری دارد و بموجب آن میتواند در صورت تقاضای طرفین درباره آنها بنحو تساوی و برطبق قانونی ( Ex aequo et bono ) حکم دهد خللی وارد نمی آورد .»

قبل از تفسیر ماده فوق و تعریف منابع حقوق بین الملل باید مقدمه ترتیبی را که در این ماده برای بیان منابع حقوق بین الملل بکار رفته مورد توجه قرار داده و در اطراف آن توضیح داده شود .

بطوریکه ضمن بحث و مذاقه درباره منابع حقوق بین الملل خواهیم دید ترتیب شمارش منابع مزبور در ماده ۳۸ بهیچوجه با درجه اهمیت و عمومیت آنها ارتباط ندارد مثلاً حقوقی و یا لااقل بعضی از اصول مزبور که در این ماده در مرتبه سوم قرار گرفته از لحاظ اهمیت و تأثیر در روابط بین المللی در درجه اول با اهمیت قرار دارد و همینطور عادات و رسوم بین المللی بخصوص عادات عمومی بر مراتب از قراردادهای بین المللی بیشتر اهمیت دارند و چنانچه بتفصیل بیان خواهد شد در صورتیکه بین یک عهدنامه و یک عادت عمومی بین المللی تعارض و اختلاف وجود داشته باشد عهدنامه مزبور در روابط بین المللی قابل اجری نبوده و محکوم بطلان است . بنظر میرسد سلسله مراتبی که در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری برای منابع حقوق بین الملل قائل گردیده اند بیشتر مبتنی بر درجه صراحت و وضوح قابلیت استناد دیوان بمنابع مزبور باشد . بدیهی است در اختلافیکه بین دو دولت روی داده و بدیوان بین المللی دادگستری احاله

## منافع حقوق بین الملل

میگردد استناد بعهدهنامه منعقدۀ بین دول مزبور سهولت اسکان پذیر میباشد و حال اینکه استناد بعادات و رسوم بین المللی قبلاً محتاج باقائه دلایل کافی برای اثبات وجود آنهاست و همواره ممکن است مورد انکار دولت ذینفع واقع شود. با توجه باینکه در تعیین سلسله مراتب منافع حقوق بین الملل از لحاظ درجه اهمیت نیز بین علماء و نویسندگان اختلاف نظر و سلیقه وجود دارد برای تعریف منافع مزبور از همان ترقیبی که در ماده ۳۸ ذکر گردیده ( بدون اینکه آنرا ملاک تعیین درجه اهمیت آن منافع بدانیم ) پیروی مینمائیم.

### الف - عهدنامه های بین المللی :

قراردادها وسیع ترین و مؤثرترین منبع حقوق موضوعه بین المللی بوده و بطوریکه دیدیم بر اثر توافق صریح و کتبی بین دو یا چند دولت بوجود میآیند قراردادها منشأ اصلی حقوق و الزامات در جامعه بین المللی است و چون مولود نیازمندیهای مادی و معنوی دول متعاقد میباشد درجه تمدن دول مزبور را در هر زمان بخوبی نشان میدهد.

قراردادهای بین المللی را باعتبار اختلاف موضوع عمومیت و خصوصیت - تعداد دول متعاقد و بعضی جهات دیگر بچند دسته تقسیم کرده اند که بطور اختصار در زیر توضیح داده میشود.

۱- از لحاظ موضوع - عهدنامه ممکن است برای نیازمندیها و مقاصد مختلف بین دو یا چند دولت منعقد گردد از این لحاظ میتوان عهدنامه های بین المللی را باختلاف موضوع و مقصود بعهدهنامه صلح - مودت - بازرگانی - کنسولی - بحریمائی - فرهنگی و غیره تقسیم نمود. صرف نظر از اینکه تقسیم عهدنامه های بین المللی با این ترتیب فاقد هرگونه فایده عملی است. اصولاً چون احتیاجات دول که عامل اصلی انعقاد قراردادهای بین المللی است دائماً رو بتوسعه ازدیاد میباشد تقسیم قرار دادها از این لحاظ بطور قاطع امکان پذیر نیست.

### ۲ - از لحاظ تعداد دول متعاقد -

از این لحاظ قراردادهای بین المللی بقراردادهای دوجانبه (bilateral) چندجانبه (plurilateral ou Multilateral) و دسته جمعی (collectif) تقسیم میشود. قراردادهای دوجانبه بطوریکه از نام آن برمیآید قرارداد هائیکست که فقط بین دو دولت منعقد گردیده و غالباً ناظر بمنافع و نیازمندیهای دو دولت مزبور میباشد.

قراردادهای چند جانبه بین چند دولت منعقد گردیده و طبق سادهای که غالباً در اینگونه قرار داد درج میشود سایر دول ذینفع نیز با شرایطی میتوانند بعداً بقرار داد ملحق گردند.

قراردادهای چند جانبه در صورتیکه متضمن قواعد کلی و عمومی حقوق بین الملل بوده و با منافع و نیازمندیهای کلیه دول ارتباط داشته باشد قرار داد دسته جمعی نامیده میشود. مانند قرار داد های ژنو مربوط باسرا و مصدومین جنگ مورخ دسامبر ۱۹۴۹ قرار داد جلوگیری از کشتار دسته جمعی (ژنوسید) و غیره

### ۳- قراردادهای عمومی و خصوصی .

تقسیم دیگری که برای قراردادهای بین‌المللی قائل شده‌اند در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری نیز بآن اشاره شده تقسیم قراردادهای بخصوص و عمومی است. قراردادهای بین‌المللی از دو لحاظ ممکن است خصوصی نامیده شوند یکی اینکه فقط بین دو یا چند دولت منعقد گردیده و برای سایر دول نیز امکان الحاق بآن نباشد و دیگر اینکه ناظر بموضوع خاص و یا موجود وضعیت بین‌المللی مخصوصی باشد .

فقط قراردادهای بزرگ بین‌المللی مانند عهد نامه های وین (Traité de Vienne) و عهدنامه های ورسای (Traité de Versailles) میتوانند وضعیت حقوقی جدیدی در یک ناحیه و یا در سراسر جهان بوجود آورند . اینگونه عهد نامه‌ها معمولاً منشاء تحولات سیاسی بزرگی در جهان گردیده و قوانین و مقررات تازه‌ای در روابط بین‌المللی بوجود می‌آورند . بطوریکه میدانیم اصل آزادی کشتی رانی در رودخانه‌ها - ممنوعیت قراردادهای سری و بسیاری از اصول مهم حقوقی دیگر که در اوضاع عمومی جهان تأثیرات فراوان داشت از عهد نامه صلح ورسای ناشی گردیده است .

### ۴- عهد نامه قانونی و عهد نامه قراردادی (traités-lois, traités-contrats)

فقط قرارداد های بین‌المللی اصولاً از جهت خواص و آثار و حقوق و الزامات ناشیه با قوانین و عقود در حقوق خصوصی قابل تشبیه میباشند. بعضی از قراردادهای بین‌المللی مانند قوانین داخلی متضمن مقررات کلی و عمومی بوده و یا منافع کلیه افراد جامعه بین‌المللی ارتباط دارد. قراردادهای مربوط باسراء و بمصدومین جنگی که در ۸ دسامبر ۱۹۴۹ درژنو بامضا رسیده و همچنین قراردادهای دسته‌جمعی دیگری که در سالهای اخیر تحت نظارت مؤسسات وابسته سازمان ملل متحد بین دول منعقد گردیده و از این جمله میباشند. از جهت شباهت کاملی که بین عهد نامه های سزبور و قانون وجود دارد آنها را عهد نامه های قانونی (traités-lois) نامیده اند .

بعضی دیگر از قراردادهای بین‌المللی بالعکس فقط ناظر با احتیاجات و روابط مخصوص دول متعاقد بوده و سایر دول نمیتوانند در مورد آن ذینفع باشند. مثلاً قرارداد بازرگانی که بین ایران و دولت دیگری منعقد میشود باوضع اقتصادی دو کشور نیازمندیهای متقابل آنها مربوط بوده و طبعاً نمیتواند برای کشور دیگری مستقیماً فایده‌ای در بر داشته باشد اینگونه عهدنامه ها بعلت شباهت آن با عقود و قراردادهای خصوصی در حقوق داخلی عهدنامه قراردادی (traités - contrats) نامیده میشود .

باید متذکر بود که این تقسیم بندی نیز مانند سایر تقسیماتی که از قراردادهای بین‌المللی شده کمتر فایده عملی در بر دارد بعلاوه غالباً یک قرارداد بین‌المللی دارای هر دو جنبه فوق‌الذکر میباشد یعنی بعضی از مواد آن متضمن قوانین کلی و عمومی و بعضی دیگر مربوط بمنافع خصوصی دول متعاقد است. از این قبیل میتوان عهدنامه صلح ورسای را نام برد . بطور کلی عهدنامه های قانونی عموماً از نوع عهدنامه های چند جانبه دسته جمعی و عهدنامه های قراردادی غالباً از نوع عهدنامه های دو جانبه میباشند .